



نگاهی بر رویداد های جاری

بر مبنای ابراز نظر های شماری از هیئت اجراییه حرکت گفتمان ملی افغانستان در صفحه بولتن خبری این نهاد فشرده آتی تهیه شده است.

در رابطه به نشستها و تحرکات شماری از فعالان سیاسی در وین کشور اتریش و نشست سوم دوحه یک تبادل نظر توسط اینجانب آغاز یافت که در آن محترم عنایت نبیل بارکزی رئیس حرکت گفتمان ملی، محترم انجنیر صلاح الدین صلاح و محترم جمشید پایمرد معاونان این حرکت برخی نگاههای خود را شریک ساختند:

عنایت نبیل بارکزی نوشت:

" تبادل نظر دوستان هم دلچسپ و هم انعکاسگر احساس عالی شان در مورد وطن و وطنداران بوده قابل تقدیر و ستایش است. اما،

بنظر من نه نشست ویانا نتیجه موثر و مطلوبی خواهد داشت و نه سایر نشست های که در حدود کنفرانس های مجازی، مصاحبه های تلویزیونی در تلویزیون های افغانها در خارج کشور صورت گرفته و یا به سطوح خورد و بزرگ و به اشکال گوناگون، برگزار می شود .

در شرایط کنون (قرن بیست و یکم) اگر لازم باشد برای تغییر بنیادی در کشوری کار صورت گیرد، صرف از داخل کشور مورد نظر می تواند صورت گیرد. البته در شرایط موجود کار در داخل وطن قربانی می خواهد و شاید حتی به حرمان آزادی و ازدست دادن حیات انسان تمام شود. که من هیچ دوستی را به انجام ان تشویق ننموده و یا از اینکه جرأت پذیرفتن و تحمل این خطر را ندارند، خدای نخواستہ محکوم نمی نمایم. اما با، باور جدیدی که به واقعیت بینی پیدا نموده ام ، از تذکر حقایق ، که بد بختانه سبب ناراحتی بعضی ها هم شده و می شود، خودداری نمی نمایم .

دوستان نهایت محترم ، وطن دوست دلسوز به کشور و مردم ما، کار از بیرون جز حرکات نمایشی ، یا برای رضایت خاطر و به اصطلاح وظیفه وجدانی شاملین حرکات و نشست ها چیزی دیگری نمی تواند باشد یا ببار بیاورد. چنانیکه تا حال در بهبودی وضع در کشور تغییری نیآورده است، در آینده هم شاید سبب تغییر قابل ملاحظه ای نشود. البته این نظر به معنی اینکه باید اقداماتی که به امید و برای آوردن تغییر در وضع کشور جریان دارد و یا آغاز خواهد شد، متوقف گردد. تلاش ها را در حدود امکانات باید ادامه داد. اما میخواستم عرض نمایم، که در اخیر روز همه معتقد میگردیم ، که تلاش ها از بیرون کشور، مثمر ثمری شده نمی تواند .

دوستان محترم ، اما با وصف همه ناامیدی چون گزینه بهتری وجود ندارد، لازم است به تلاش ادامه داد .

ولی لازم است سطح و حدود توقع خود را در رابطه به تاثیر اقدامات ما، با در نظر شرایط بین المللی، تعامل کشورهای بزرگ و کوچک ، همسایه و منطقه، با طالبان محدود سازیم. شانس نیل به اهداف و توقع زیاد و غیر عملی، خیلی ضعیف است. در صورت عدم حصول آن نباید زیاد ناراحت شده و یکدیگر را ملامت نماییم. همچنان واقعیت های تاریخی کشور، ماهیت و اعمال حکومت های افغانستان بعد سقوط دادن شاهی مشروط (رژیم بالنسبه دموکراتیک) توسط داود

خان و هواداران داخلی و خارجی انرا و نقش ابر قدرتها و همسایه ها را در شکل دادن وضع و تفکر فعلی نباید از نظر دور داشت . یعنی افراد ، حکومت ورژیمهای و کشورهای های زیادی باید بار ملامتی وضع ناهنجار کنونی افغانستان را بکشند، و نباید همه را به گردن یک یا دوکشور خارجی ویا یک ویا دو حکومت معین بیندازیم . یعنی از بکار گیری شیوه « الله و بلا در گردن ملا » دور از انصاف و چشم پوشی از واقعیت بوده و طرف تایید مردم افغانستان که عده زیاد آنها شاهد عینی بر آنچه در کشور گذشته است ، میباشند، قرار گرفته نمی تواند.

باحرمت

عنایت نبیل بارکزی"

سپس محترم صلاح نوشت:

" باررکزي صاحب

با تایید و موافقت صد درصد نظر شما در مورد کار و تاثیر گذاري ان از داخل کشور هستم زیرا طولاني مدت با تعداد از دوستان در این باره صحبت هاي داشته ام که کار از بیرون کمتر مفید تمام مي شود نسبت به کار کردن از داخل کشور واما وضع داخل کشور را خوب به تحلیل گرفته اید که نهایت مشکل و ريسک کلان دارد تا این شیوه را به کار برد و مشوق دگران شد

ولي حد اقل کار کردن از بیرون هم بي تاثیر نیست وبا وصف مشکلات در بیرون بازهم اگر با يك حلقه وسیع از هم وطنان و دوستان دست به دست هم بدهیم و در انسجام و ایجاد فضاي اعتماد میان همه نیرو ها و افراد وطن دوست کار کنیم خدمت کلان خواهد بود.

به امید حد اقل نتایج مثبت از تلاش هاي مشترك همه ما دنیا به امید است

با حرمت صلاح"

به ادامه محترم جمشید پایمرد نوشت:

" با سلام و حرمت و تائید نظریات محترم بارکزی گرامی و نظرات همکاران عزیز ، شما بخوبی نیک میدانید اینکه: سرنوشت یک تعداد کشور ها در نقاط مختلف جهان بحیث گره گاه های منطقوی که توسط استعمار گران جهانی برای روز مبادا ایجاد شده است ، بدست مردمان این کشور ها حل شدنی نیست ، زیرا وضعیت در این کشورها عمدتاً با اهداف سیاسی ، اقتصادی و جیو استراتژییک این قدرتها ارتباط دارد، و قدرتهای استعماری غرب و شرق و قدرتهای (دینی - مذهبی) همه برای حفظ ساحه نفوذ خودشان در منطقه ودر کشور مورد نظر شان چنان مصروف سرمایه گذاری و استخدام افراد جاسوس و پروژه های خطر ناک هستند که هر نوع خیزش ملی را در لحظاتی که بخواهند سرکوب مینمایند . چنانچه طی شصت سال گذشته تاکنون وضعیت اجتماعی ، سیاسی ونظامی کشور ما بنا بر اهداف ومنافع کشور های همسایه و قدرتهای منطقه و فرا منطقه ((ماورای ابصار)) دستخوش بازی های وحشتناک بوده و است .

واضح است که در حادثات بعد از سرطان ۵۷ تا کنون هم شرق و هم غرب دخیل بوده و اوضاع افغانستان در تقابل جنگ سرد به اینجا کشیده شده است ، گرچه پادشاهی ظاهر شاه که نظام بالنسبه دموکرات بود (در شرایط دیتانت بین المللی) ولی تاریخ شاهد است که نادر خان بحیث الترناتیف وبديل شاه امان الله بواسطه انگلیسها به قدرت نشانده شده بود. بعد از جنگ جهانی دوم و با اوج گرفتن جنگ سرد اوضاع افغانستان نیز دست خوش تغییرات واقع گردید ، بنیاد

سازمانهای راست افراطی اخوانی ها توسط انگلیسها و اعراب در افغانستان نهاده شد ، پیشرفت احزاب چپ در تعداد زیاد کشور های امریکای لاتین، افریقا و آسیا از جمله ایران باعث تاثیر گذاری و ایجاد این حرکتها در افغانستان نیز گردید.

در نتیجه مصرف نسخه های روسی و امریکایی جریانات چپ و راست مرتکب اشتباهات تاریخی تا خیانت به منافع وطن گردیدند. (اما نتایج ثابت ساخت که نیرو های چپ با هر نوع اشتباهات که مرتکب گردیدند هزار بار پاکتر و وطن پرست تر از هر نوع سازمانهای اخوانی و مافیایی بودند که در طی سی سال پسین به منافع وطن خیانت کردند).

من معتقد هستم که تاثیرات قدرت های جهانخوار در تعیین سرنوشت کشور های عقب نگه داشته شده بسیار تعیین کننده میباشد و نباید بار تمام ملامتی را به گردن مردم شریف کشور که طی پنجاه سال زیر نام وطن ، عدالت، ترقی و شرعیت بجان هم انداخته میشوند و در کشور جنگ نیابتی بر مردم ما تحمیل گردیده است انداخت و فراموش کرد و یا برعکس دانست.

کشور ایران را مدنظر گیرید ! غرب در راس امریکا پادشاه آنکشور را بواسطه خمینی و دار و دسته اش از میان برداشت، خمینی از فرانسه بواسطه آنها برگرفته های مردم ایران تحمیل گردید و غرب با یک نشان به دو هدف رسید شاه را که در مخیله افکارش ملی گرایی و قدرت ایران جاه گرفته بود و از طرف دیگر نیرو های چپ را که بحیث بدیل شاه آماده انقلاب بودند از پا در انداختند و آخوندها بیش از چهل سال با حمایت مخفی غرب بر ایران حاکمیت و هر نوع خیزش ملی و مردمی را با خون یکسان کردند و میکنند. اماروشنفکران ایران زیر نام پسر شاه ایران و یامریم رجوی به بازی گرفته میشوند و این دو گروه در موسمه های خاص بحیث (ببلو) و بدیل به رخ آخوندها کشیده میشوند و از آنها باج میگیرند. اینک خلوت نشینان کشور اطیش بحیث ببلو برای حاکمیت طالبان ایجاد گردیده تا بتوانند امارت طالبان را در تحت شعاع منافع خودشان زیر تاثیر نگاه دارند. این وبس ما باید وارخطا نشویم که دیگران خوردند و ما عقب ماندیم. این نظریه عالی است که ((یک گام در داخل وضعیت سیاسی مستحکم تر از دهها کنفرانس فیزیکی و مجازی در بیرون از وضعیت میباشد)) اما سوال اینجاست که آیا در عمق بازی های نهایت مخوف که در عقب حاکمیت موجود جریان دارد ، کدام نیرو این قدرت را دارد تا زنگوله را به گردن شیر به اندازد ؟

همکاران عزیز اینک میخواهم نظرم را که در جلسه شورای رهبری ائتلاف نهاد ها صریحاً بیان کردم یکبار دیگر در این صفحه نیز ارایه دارم. تا زمانیکه روشنفکران افغان، اعم از زن و مرد، سیاسیون ، حکومت طالبان که خود را امارت اسلامی مینامند * علما و روحانیون وطن دوست متحد نشوند و بدور یک زعیم ملی جمع نگردند و یک موضع میانه و معتدل را در سیاست های بین المللی اتخاذ ننمایند و منافع قدرتها را مدنظر نگیرند ، جنگ و تشنج خاتمه یافتنی نیست قدرتهای تصمیم گیرنده طالبان را نیز دایمی در قدرت نمی مانند همین اکنون حاکمیت طالبان زیر تاثیر منافع شرق و غرب دست و پا میزنند . در نشستهای دوحه مردم افغانستان مطرح نیست بل اهداف آنها مطرح است.

سنتز وضعیت کنونی ایجاد دولت حایل در افغانستان میباشد وبس ! مردم افغانستان ونخبه گان دلسوز به طرح چنین دیدگاه و دوکتورین باید نایل آیند. شهید دوکتور نجیب الله میخواست و پیشنهاد داشت تا افغانستان از طرف ملل متحد ، همسایگان و قدرتها بحیث کشور بی طرف دایمی تثبیت و برسمیت شناخته شود و این یگانه راه برای برقراری صلح وثبات در کشور میباشد. گرچه بر آمدن از چنگال خونین قدرتهای که جنگ را در افغانستان ایجاد و تمویل نمودند کار ساده

نیست ، اما دست زیر دست نشستن نیز احساس مرده و شریک شدن در بازی های استخباراتی و چشم به راه این و آن بودن نیز وجدان مرده میخواد . باید رزمید و بلاخره راه باز کرد.
(پایمرد)
این بود شمه پی از نظریات که همگانی شد.

